



۲۰۱۷/۰۹/۰۴

بصیر صباح

## نقش طالبان در کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر

### "تحقیق مستند در مورد زرع، تولید و قاچاق مواد مخدر"

قسمت پنجم



دخيل بودن طالبان در قاچاق مواد مخدر، قاچاق سنگ های گرانبها، آثار باستانی، تجارت اسلحه، مافیای ترانسپورتی و اختطاف برای اخذ پول افزایش یافته است. جنگ باعث می شود تا طالبان که به این درآمد سرشار عادت کرده اند ادامه بدهند.

کشت و قاچاق مواد مخدر یکی از معضلات جدی برای افغانستان و کشور های منطقه به وجود آورده است. این محصول پیوند زیاد با نا امنی ها در افغانستان و کشور های منطقه دارد. کشت و قاچاق آن بر اقتصاد ممالک در منطقه تأثیر منفی داشته است. دو تاسه میلیون نفوس افغانستان را معتاد نموده است. این رقم در پاکستان چند برابر است. در ایران نیز در حدود پنج و یا شش میلیون نفر معتاد است. کشورهای آسیای میانه نیز از آسیب این محصول به دور نبوده است.

درسال دو هزار و ده میلادی با کاهش کشت خاشخاش مواجه شدیم ولی درسال های بعد دوباره گراف آن بالا رفت. درسال دو هزار چهارده در حدود دوصد و بیست و پنج هزار هکتار زمین زیر کشت تریاک قرار داشته است. کشت و قاچاق مواد مخدر پیوندی با اقتصاد کشور های منطقه، گسترش نا امنی، انحراف اجتماعی و... دارد. در ذیل تلاش می کنم پیوند و سهم گروه طالبان از کشت و قاچاق مواد مخدر را روشن سازم.

طالبان در سال نوزده نود و چهار اعلان نمودند که با کشت و قاچاق مواد مخدر مبارزه می کنند، اما آن ها به زودی اهمیت اقتصادی مواد مخدر را به منظور اخذ مالیه از آن درک نمودند. وقتی که قندهار را برای بار اول تصرف نمودند، اعلان کردند که از کشت کوکنار و تولید تریاک جلوگیری می شود. اعلان طالبان، دیپلمات های آمریکایی را تشویق کرد که فوری با طالبان تماس برقرار نمایند، ولی در جریان چند ماه طالبان دریافتند که آن ها به کشت کوکنار ضرورت دارند، جلوگیری از آن هم به دهقانان ضرر دارد و هم یک منبع بزرگ عایداتی شان از بین می رود. طالبان به جمع آوری مالیه اسلامی «ذکات» از تمام معامله گران تریاک آغاز نمودند. طالبان با دریافت بیست فیصد مالیه به نام ذکات، هیچ اندیشه و نگرانی دینی نداشتند و ندارند. اگر چه بر اساس تعالیم دینی هر مسلمان مکلف است از عواید سالانه خود دو و نیم فیصد را به نام ذکات به فقرا و محتاجان بپردازد اما، طالبان بدون توجه به تعالیم اسلامی آن را به بیست فیصد افزایش دادند.

در گزارش های سالانه دفتر جرایم و مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل و وزارت مبارزه با مواد مخدر این نکته بار ها یادآوری شده است که کشت و قاچاق مواد مخدر در ولایاتی افزایش داشته است که طالبان بر بخش هایی از آن ولایت کنترل دارند. به عبارت دیگر، میان کشت و قاچاق مواد مخدر و حضور طالبان پیوند مستقیم وجود دارد. در گزارش جدید نیز آمده است که تولید مواد مخدر در مناطق بوده است که طالبان حضور دارند. به عنوان مثال کشت مواد مخدر در جنوب شصت و شش فیصد گزارش شده است. در مرکز افغانستان که طالبان نفوذ ندارند تنها دو فی صد بوده است .

مالیه صادرات تریاک مبلغ بزرگ عایداتی و اقتصاد جنگ طالبان را تشکیل می دهد. در سال نوزده نود و پنج ادارات مربوط به ملل متحد، عواید سالانه صادرات مواد مخدر پاکستان- افغانستان را ۱,۳۵ میلیارد دالر تخمین کردند. طالبان از عواید ناشی از مواد مخدر سلاح، وسائل و مواد سوخت جنگ، خریداری می کردند، باقی نیازمندی های طالبان نیز از همین عواید تأمین می گردید. اکنون نیز، طالبان بخشی از احتیاجات میدان جنگ خود را از عواید ناشی از مواد مخدر تأمین می کنند. با این حال، کشت و قاچاق مواد مخدر بیش از آن که سود اقتصادی برای ما داشته باشد بیشتر ضرر بوده است. بر اساس تخمین سازمان ملل در دهه نود میلادی دهقانان کمتر از یک فی صد عواید تریاک را حاصل می کردند. در حدود دو نیم فیصد در کیسه تجار و قاچاق بران افغانی و پاکستانی می ریزد. پنج درصد نصیب کشور هایی می شود که هروئین از داخل آن ها به مقصد اروپا و آمریکا عبور داده می شود. متباقی عواید به جیب قاچاقبران و معامله گران در اروپا و آمریکا تعلق می گیرد. با این عواید ناچیز در حدود یک میلیون دهقان در حدود یکصد میلیون دالر در سال از کشت و برداشت تریاک حاصل می کند. از این مبلغ بیست میلیون دالر در سال نصیب طالبان می شود و اکنون عواید گروه طالبان به میلیون ها دالر می رسد. پولی که منجر به ریختن خون نیرو های امنیتی و مردم بی گناه کشور ما می شود. با این حال، مصارف آن تنها محدود به آن نمی شود .

کشت مواد مخدر در افغانستان باعث شده است که مصرف این مواد در کشور بالا برود. بر اساس گزارش ها در حدود سه میلیون نفر در افغانستان معتاد به مواد مخدر شده است. این در حالی است که شبکه های پخش و توزیع مواد در سطح شهر به آسانی صورت می گیرد و نهاد ها قادر به کنترل آن ها نیستند. این رقم اما، در حال افزایش است. در سال بعدی به احتمال زیاد با احصائیه تکان دهنده بیشتر از معتادین مواجه می گردیم که مشکل جدی برای حکومت ایجاد خواهد کرد .

با این حال، کاهش کشت و قاچاق مواد مخدر بستگی به دو مسئله اساسی دارد. اول به استراتژی مبارزه با مواد مخدر در افغانستان و در سطح منطقه. دوم؛ ارائه حاصلات بدیل به دهقانان که این بدیل باید بتواند ارزش معادل کشت تریاک را در زمان برداشت محصول به دهقانان بدهد. ما در هر دو بخش تا حدودی با مشکل مواجه هستیم. استراتژی نداریم. تا بحال جانشین بدیلی را نیز نتوانسته ایم تعریف کنیم. اگر چه در سال های اخیر زعفران به عنوان یک جانشین کشت خشخاش عرضه شده است اما در سطح بازار بین الملل برای این محصول بازار یابی صورت نگرفته است. برای همین، دهقانان اعتماد به فروش رفتن آن ندارد. بنابر این، لازم است که برای محصولات بدیل تریاک بازار یابی وسیع در سطح بازار های منطقه و بین المللی صورت گیرد.

در پایان این نوشتار یک بار دیگر باید متذکر شد که کشت و قاچاق مواد مخدر با گسترش نا امنی رابطه مستقیم دارد. تریاک مهمترین عواید گروه طالبان را تشکیل می دهد. سهم آن ها از کشت و قاچاق مواد مخدر به اندازه ای است که بتواند ماشین جنگی آن ها را روشن نگه دارد و در مناطق مختلف افغانستان تهدید جدی برای حکومت ایجاد نماید. بنابر این، مبارزه با مواد مخدر به اندازه مبارزه با گروه طالبان اهمیت دارد.

طالبان از سال ۲۰۰۱ به بعد یک سیستم پیچیده و چند بعدی را برای کسب درآمد در افغانستان و منطقه ایجاد کرده اند. در داخل افغانستان، عایدات این گروه از منابع مختلف تأمین میشود که شامل کشت و زرع خشخاش، تولید مواد مخدر و انتقال آن است. در عین حال طالبان در شرکت های مختلفه برای پول شویی سرمایه گذاری کرده و همچنان از ناحیه اختطاف ها، اخاذی از تجارتخانه های افغانستان، بهره برداری غیر قانونی از منابع طبیعی و در گیر شدن در دیگر عملیات جنایتکارانه، خود را تأمین میکنند. طالبان منابع پولی خود را بر علاوه اینکه از کشور های خلیج بدست می آورند از سه گروه قاچاقچی که رهبری آنرا سه نفر از قوم نورزایی برعهده دارد، دریافت میکنند. گزارش ها این افراد را حاجی بشر نورزایی، حاجی بریگت و حفیظ الله خان شناسایی کرده اند. حتی میگویند که حاجی بشر از مشاورین نزدیک ملا عمر، رهبر طالبان بود و اکنون در یک زندان در ایالات متحده محبوس میباشد. اما شبکه قاچاق مواد مخدر او هنوز هم فعال است. اقتصاد دان طالبان مولوی کبیر نام دارد که بیشتر بنام عبدال کبیر محمد جان شناخته میشود و ارتباط نزدیک با حاجی باغچو دارد که یک عضو برجسته قاچاق مواد مخدر در ولایت ننگرهار میباشد.

در ارتباط به پول شویی طالبان، گزارش ها میسرساند که حبیب علیزی، یک قاچاقبر قندهاری همراه با شرکای خود چند شرکت را برای این منظور تاسیس کردند که یکی آن شرکت نوشابه اتحاد بود. استفاده از احواله پولی است که از طریق آن لاهور جان از جلال آباد پول مواد مخدر را انتقال میداد. همچنان شخصی بنام حاجی جمعه خان برای حمایت مالی از طالبان دست به قاچاق مواد مخدر میزد و بعد از دستگیری در اندونزی در سال ۲۰۰۸ به نیویارک منتقل شده و محبوس است.

در سال ۲۰۱۱، دفتر کنترل دارایی های خارجی، شرکت تبادل پولی انصاری جدید را بعنوان بخشی از شبکه پول شویی طالبان شناسایی کرده است. به همین ترتیب از افراد دیگری که شامل حاجی عزیزالله علی زی از هلمند، شاه محمد بارکزایی، حاجی بازمحمد، هادی و محمد ولی در این گزارش بعنوان کسانی که منابع مالی را از طریق تولید و قاچاق مواد مخدر برای طالبان فراهم میکردند یاد شده است.

طالبان از کشت خشخاش نیز ده فی صد حُشر را به زور از زارعین می گیرند. باوجودیکه بهره برداری از منابع طبیعی یک عنصر عمده در توسعه اقتصادی آینده افغانستان به شمار میرود، ولی هنوز هم راه هایی برای کوتاه کردن دست طالبان از استفاده غیر قانونی از این منابع، جستجو نشده است. طالبان و دیگر گروه های تندرو همواره شرکت های در حال رشد را مورد تهدید قرار میدهند. به طور نمونه، جواز فعالیت های اکتشافی معادن در افغانستان بخاطر تهدید گروه حقانی و عمالی از گروه حزب اسلامی متوقف شد.

سه نوع دخالت طالبان، واضح است، اول اینکه مستقیماً در این استخراج سهم میباشند، دوم سعی میکنند از عملیات جواز داده شده حکومت به دیگران، اخاذی کنند و سوم اینکه به عنوان فراهم کننده خدمات در این فعالیت ها نقش دارند. مثلاً در معدن سنگ لاجورد در ولسوالی کران و منجان ولایت بدخشان که هیچ منفعت نظامی و یا سیاسی برای طالبان ندارد، بر اساس اطلاعات حکومت افغانستان، طالبان میخواهند کنترل آنرا بدست آورند. دلیل آن موجودیت ذخایر لاجورد در آن ولسوالی است. همچنان در لوگر، وردک، پکتیکا و خوست، طالبان مانع میشوند که حکومت افغانستان درآمد استخراج و فروش کرومیت را بدست آورند.

بین سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴ طالبان به صورت مسلسل با اختطاف مردم افغانستان و خارجی ها، سرمایه گزافی را با اخذ فدیة دریافت کرده اند، این در حالیست که در زمان حکومت طالبان، تحت یک لایحه، اختطاف برای اخذ فدیة جایز نبود. در عین حال قاچاق انسان، یکی از راه های دیگر طالبان برای اخذ پول می باشد که بیشتر آن افغانانی میباشند که میخواهند برای کار و زندگی به اروپا بروند.

پایان قسمت پنجم